

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح استفساریه تبصره (۱) ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری

بخش کشاورزی و منابع طبیعی»

مقدمه

متعاقب تصویب ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور در سال ۱۳۴۶ و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و سلب مالکیت از اشخاص، تشخیص شمول یا عدم شمول حکم این ماده بر اراضی مختلف، بر عهده اداره منابع طبیعی قرار داده شد. همچنین به آن دسته از اشخاص حقیقی و حقوقی که اراضی و املاک آنها به تشخیص اداره منابع طبیعی در حریم جنگل یا مرتع قرار گرفته و ملی شد حق اعتراض و اثبات مالکیت اعطا گردید. سازوکار اجرایی اعتراض نیز در ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ پیش‌بینی شده و به موجب قانون مذکور هیئتی مرکب از اشخاص مختلف برای رسیدگی به این گونه دعاوی تشکیل شد.

لکن مشکلی که متعاقب این مسئله برای تثبیت مالکیت دولت به وجود آمد این بود که هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای پذیرش دعاوی متعرضین در قوانین پیش‌بینی نشده بود و هر زمان که متصرفین اراده می‌کردند باید به اعتراض آنان در هیئت موضوع ماده واحده مزبور رسیدگی می‌شد. در نتیجه در تبصره «۱» ذیل ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری مهلت یک‌ساله را برای ثبت اعتراضات احتمالی پیش‌بینی شد. در این مورد قانونگذار درصدد بود تا با رعایت جوانب شرعی و قانونی مهلت‌های پذیرش اعتراض به اجرای مقررات ماده (۵۶) قانون حفاظت جنگل‌ها و مراتع را محدود نماید. افزون بر این، پیش‌بینی شد که چنانچه پس از انقضای این مهلت نیز اشخاص معترض بتوانند در شعب ویژه‌ای که توسط ریاست قوه قضائیه در مرکز تشکیل می‌شود مالکیت خود را اثبات کنند.^۱

بررسی طرح پیشنهادی

کلیدی‌ترین مقرر در این تبصره پیش‌بینی نمودن مرجع رسیدگی به دعاوی و اعتراضات می‌باشد؛ اما در متن تبصره، مرجع یاد شده به صراحت ذکر نشده و مسئله به اجمال برگزار شده است. دلیل این امر ذکر کلمه

۱. تبصره «۱» ماده (۹) قانون فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «اشخاص ذینفع که قبلاً به اعتراض آنان در مراجع ذیصلاح اداری و قضایی رسیدگی نشده باشد می‌توانند ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به اجرا مقررات اعتراض و آن را در دبیرخانه هیئت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۹ شهرستان مربوطه ثبت نمایند و پس از انقضای مهلت مذکور در این ماده، چنانچه ذینفع، حکم قانونی مبنی بر احراز مالکیت قطعی و نهایی خود (در شعب رسیدگی ویژه‌ای که بدین منظور در مرکز از سوی رئیس قوه قضائیه تعیین و ایجاد می‌شود) دریافت نموده باشد، دولت مکلف است در صورت امکان عین زمین را به وی تحویل داده و یا اگر امکانپذیر نباشد و در صورت رضایت مالک، عوض زمین و یا قیمت کارشناسی آن را پرداخت نماید.»

«مرکز» در متن تبصره است. چه اینکه مقرر شده است که مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی این باب، شعب ویژه‌ای باشند که حسب تشخیص رئیس قوه قضائیه در «مرکز» تشکیل می‌شوند. منطوق این تبصره مشخص نکرده است که آیا دعاوی باید در مرکز استان یا شهرستان محل وقوع زمین یا اعیانی اقامه شود یا در دادگاه‌های تهران که مرکز کشور محسوب می‌شود؟ وانگهی ارائه تفسیر از قانون، اجتناب‌ناپذیر است و در همین راستا رئیس قوه قضائیه در بخشنامه ۹۰۰۰/۴۸۱۶۷/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۸ به رؤسای دادگستری‌های استان‌ها ابلاغ نمود شعبی از دادگاه‌های عمومی حقوقی شهرستان مرکز استان را برای این‌گونه پرونده‌ها اختصاص دهند. رویکرد تفسیری در طرح مورد بحث نیز در همین مسیر قابل ارزیابی بوده و مقصود از کلمه «مرکز» در متن تبصره، مرکز استان تلقی شده است. هرچند هنگامی که در متن قوانین کلمه «مرکز» به تنهایی و بدون قراین دیگر به کار می‌رود مرکز کشور و شهر تهران به ذهن متبادر می‌شود لکن اطلاق این کلمه تاب تفسیر آن به مرکز استان را نیز دارد. لذا از آنجا که اگر پرونده‌های ناشی از اختلافات موضوع این تبصره یکسره به دادگاه‌های تهران سرازیر شود توازن قضایی را بر هم زده و انباشت پرونده‌ها مشکلاتی از قبیل اطاله دادرسی، سردرگمی اصحاب دعوی و اتلاف وقت و هزینه را موجب خواهد شد، به نظر می‌رسد ارائه این نظریه تفسیری می‌تواند راهگشا باشد.

نتیجه‌گیری

در متن تبصره «۱» ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی که مرجع اعتراض به آرای هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۵۶) قانون جنگل‌ها و مراتع، را شعب رسیدگی ویژه‌ای که بدین منظور در مرکز از سوی رئیس قوه قضائیه تعیین و ایجاد می‌شود تعیین کرده است، عبارت «مرکز» اجمال دارد و مشخص نیست منظور از این عبارت مرکز استان است یا مرکز کشور. این استفساریه در راستای رفع این اجمال و نیز مشکلات عملی تعیین این مرجع در مرکز کشور، عبارت مذکور را به مرکز کشور تفسیر کرده است. به نظر می‌رسد این طرح در جهت پیشگیری از برهم خوردن توازن قضایی و انباشت پرونده‌ها در تهران، اطاله دادرسی، سردرگمی اصحاب دعوی و اتلاف وقت و هزینه و اختلال در عملکرد نظام قضایی کشور مؤثر و تصویب آن مورد پیشنهاد است.